



۲۰۱۶/۰۷/۰۵



عارف عباسی

## آیا فردایی مطرح است؟ اگر چنین باشد، آیا روزنه امیدی سراغ می گردد؟

در تلاطم آشوب های جهانی و ماجراجویی های مرموز، دسته بندی های اسرار آمیز و بازی های افسونگر، نمی توان حال وطن را با این رویداد ها ناگه خورده یافت و از آن غافل ماند.

تحلیل واقع بینانه و غیر جانبدارانه فارغ از هر نوع پیچیدگی و گرایش، فقط به خاطر افغانستان و مردمش، حاکی از یک حالت بی سر نوشتی، راه گمی مطلق و عدم مسؤولیت حساب دهی و جواب گویی به ملت توسط شاملین هرم قدرت است.

راویان اخبار افسانه رکود می گویند، عندلیبان خوش الحان بوستان آینده نگری ترانه غم انگیز افسردگی و نومیدی می سرایند، قاصدی در راه نیست که از قله های بلند انتظار و توقع بانگ نوید نیت و اراده بهبود برآورد.

همه وعده های پوشالی و دروغین برای فریب اکثریت بهی خواه و اصلاح طلب بود، هدف صرف تکیه زدن بر اریکه قدرت بوده، در عمل، آن چه صورت می گیرد خلاف آن است که وعده شده، حکام همه در خود پیچیده اند عشق وطن در سینه و فکر خدمت به مردم در دماغ ندارند. مقدم ترین و مرجح ترین اقدامات قانونی چون انتخابات پارلمانی دستخوش هوس ها، خواسته ها، منازعات شخصی، گروهی، قومی و سلیقوی گردیده.

عنقریب دو سال از عمر عزیز این حکومت می گذرد و آن چه یک ملت از دولت مردانش توقع دارد در این مدت توجهی به آن صورت نگرفته و انجام نیافته، با گذشت هر روز اوضاع از هر جهت به سوی بحران قهقرایی روان است، این وضع تا حد زیاد مولود ایجاد یک نظام سیاسی تحمیلی غیر معمول و خلاف کلیه اصول دموکراسی توسط ابتکار برون آمدگی سرنوشت ساز است.

در این مملکت فقیر جنگ زده ویران، پریشان و دست نگر، شما در پهلوی دو تشکیل رسمی یک تشکیل پر مصرف بی لزوم اضافی را می بینید که عبارت از آرگاه و بارگاه سلطان مآبانه حامد کرزی است با جمعیت بزرگ معاونین، مشاورین، سرمنشی ها و منشی ها با معاشات بلند و تعداد زیاد محافظین امنیتی، موتر های مدل سال و سائط زره دار محافظوی، جای دار باشی ها، پادو ها، دفاتر مفشن و مجلل و اساس المکتب ایتالوی و فرش های گرانبهای ایرانی. جای های دم به دم و نان چاشت مکلف.

هیچ کس نداند که لایحه وظائف این تشکیل چیست؟ مشورتی یا اجرائیوی؟ ولی بر اساس تجارب و شناخت کامل همه دانند که این مخلوق هیچ درد این وطن را دوا نکرده و دست آورد شان در سیزده سال زمام داری به جز بدبختی و سیه روزی چه بوده؟ اکثریت اعضای این تشکل یا خود فاسق و فاسد بوده اند و یا در حمایت علنی فاسدین قرار داشتند. قانون را علنی زیر پا نموده غاصب ملکیت دولت و یا از مردم مظلوم و بینوا بوده اند.

این یک تشکیل تمثیلی بوده نه تنها که مفیدیتی به حال زار و پریشان این وطن نداشته مصرف گرانی بی لزوم بر بودجه دولت بوده خود یک بعد مشکل فزا و مانع پیشرفت است.

تشکیلات ریاست جمهوری، معاونین و مشاورین آن با همه امتیازات، البته قابل فهم است، به استثنای عده ای چند، جوانان کار فهم و اهل تخصص در رشته های مختلف به حیث مشاورین استخدام شده اند ولی به قرار نوشته های دیگران رئیس جمهور را، که یک عالم فرضیه گراست، عادت بر آن باشد که در خورد ترین کارها مداخله نموده خود تصمیم بگیرد و اصل صلاحیت دهی و اعتماد به زیر دستان را اهانت به دانش خود می داند. به اصطلاح انگلیسی تمثیل یکه تاز یا One man show شیوه مدیریت اوست بعضی از همکاران از وی به حیث یک مدیر ذره بین یا Micromanager متکبر انتقاد می نمایند. رئیس جمهور به حیث یک اداره چی ورزیده مسائل عمده محوله را تنظیم و ترتیب می نماید و برای هر بخشی دوسیه و اوراق منسجم دارد و غرق مطالعه بوده این که فرضیه ها و نتایج تحقیقات و مطالعاتش چه وقت جامه عمل می پوشد معلوم نیست.

تشکل رسمی دیگر بر اساس توافقنامه سیاسی بین غنی و عبدالله عبارت از ریاست اجرائیه است که علی السویه و به موازات ریاست جمهوری دارای معاونین و مشاورین عمله و فعله و محافظین و معاشات و امتیازات اند. این تشکل نصب العین خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نداشته ممد بهبود امور نبوده موجودیت و قدرت خود را توسط مخالفت با اقدامات رئیس جمهور تبارز داده اکثراً مانع پیشرفت امور است تا این که همکار و همگام باشد، این جمعیت متشکل از نمایندگان گروه های تنظیمی بوده و تمایلات زبانی، منطقی و قومی در طرز دید و برخورد های شان آشکار بوده و حافظ دوام نفوذ به اصطلاح جهادی ها در تعیین سرنوشت مملکت اند.

در عمل هیچ نوع هماهنگی، هم اندیشی و همکاری بین این سه تشکل فوق الذکر وجود نداشته هر یک به راهی خود روان اند، تا حال کدام توافق همه جانبه و مشترک در اتخاذ تدابیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مخصوصاً امنیتی دیده نشده. هر سه تشکل در واقعیت شکننده وحدت ملی بوده و فاصله ها را بعید تر و چقرتر می گرداند.

در تحت چنین شرائط و جدایی ها که از آشتی ها سراغی نیست چه امیدی برای آینده کشور متصور خواهد بود؟ رسم روزگذرائی جانشین آینده نگری بوده و تا حال از کدام طرح خاص برای انکشاف شنیده نشده، تغییر و تحول بنیادی و اساسی در هیچ موردی که قابل تذکر باشد دیده نشده.

با سقوط عواید سرشار کمک ها با خروج ۱۲۷۰۰۰ سپاه خارجی، مسدود شدن هزاران دفتر و دیوان کمک دهنده و مصرف کننده عواید زودگذر استخدام مؤقتی از بین رفته سطح تقاضا نزول نموده، تجارت عظیم وارداتی را متأثر ساخته و عواید دولت از مدرک محصول گمرکاتی به شکل قهقرائی پائین افتاده و تجارت عنعنوی صادراتی با فیصدی بلند رو به تنزل است.

درب صنایع کوچک ملی در برابر رقابت امتعه وارداتی چین، هندوستان، پاکستان و ایران مقاومت نتوانسته یکی پی دگر در اثر بی توجهی و عدم حمایت دولت با خیال پردازی های فلسفه بازار آزاد مسدود گردید. فرار مغزها و فرار سرمایه هر دو مشهود است.

فساد اداری به همان رونقش باقیست، ناکامی علنی در کلیه ساحات به وضاحت پیداست. بیشتر از ۶۴ فیصد محلات کشور توسط گروه های مخالف اداره می گردد.

پاکستان با شمشیر دو دمه در ستیز با مردم افغانستان ادامه داده با یک دم آن سر می برد و با دم دیگرش اقتصاد را فلج می نماید با بسته نمودن سرحد در هر چند ماه و تخلف صریح از میثاق های بین المللی تعرفه ها، و محدودیت های ظالمانه ترانزیتی را بر تجارت افغانستان وضع می دارد، به هندوستان اجازه تجارت از راه زمین را به افغانستان نداده، و از راه ابریشم افسانه غیر عملی ساخته.

اکثریت مقامات دولتی در اثر عدم توافق هرم دو سره قدرت خالی مانده توسط سرپرستان اداره می گردد. جوانان مسلکی و تحصیل کرده با قبول هزاران خطر تارک مأوا شدند و کمر ملت زیر گرانی بار فقر و ناداری خم گردیده. معتادین مواد مخدره از میلیون بالا رفته و کشت کوکنار قطع نی بلکه در برابر قیم بازار و ظرفیت تقاضا در نوسان است. فساد اخلاقی به شکل بچه بازی و فحاشی مروج است. رقبای قدیم جنگ های تنظیمی دوباره به ملیشه سازی پرداخته و در برابر هم دگر در صف آرای می صرف اند.

### پس به کدام آینده میتوان دل بست؟ و کدام روزنه امید را سراغ نمود؟

به این چند بیت حضرت علامه بیدل صاحب دل نظر اندازید که به چه زیبایی حالت امروز افغانستان را صد ها سال پیش پیشبینی کرده است:

خلقى است پراگنده سعى هوسى چند	پرواز جنون کرده به بال مگسى چند
کر و فر ابنای زمان هیچ ندارد	جز آنکه گسسته است فسار و مرسى چند
کوکست به افسردگی اقبال خسیسان	در آتش یاقوت فتاده است خسى چند
چون سبحة ز بس جاده تحقیق نهان است	دارند قدم بر سر هم پیش و پسى چند

پایان